



کربلا چه تاثیری در فرهنگ سیاسی شیعه برجای گذاشت؟

در آستانه اربعین یک بار دیگر بار با عاشورا دیدار می کنیم، پدیده ای که جایگاه بلندی در فرهنگ شیعه دارد، به طوری که هیچ گاه نمی توان آن را از شیعه جدا کرد یا حتی از تاثیرش کاست. اما باید در این باره دقیق بود، یعنی شناخت درستی از کربلا ارائه داد. یکی از جنبه های مهم آن، تاثیری است که کربلا روی سیاست کلی شیعه گذاشته است.

جعفریان، رسول - در آستانه اربعین یک بار دیگر بار با عاشورا دیدار می کنیم، پدیده ای که جایگاه بلندی در فرهنگ شیعه دارد، به طوری که هیچ گاه نمی توان آن را از شیعه جدا کرد یا حتی از تاثیرش کاست. اما باید در این باره دقیق بود، یعنی شناخت درستی از کربلا ارائه داد. یکی از جنبه های مهم آن، تاثیری است که کربلا روی سیاست کلی شیعه گذاشته است.

1. یکی از ابهاماتی که مطرح است، صف بندی دشمنان امام حسین (ع) در واقعه کربلاست. آیا به غیر از کوفیان، سپاهی از دیگر شهرها و نقاط بلاد اسلامی برای رویارویی با امام و یاران ایشان به کربلا آمده بودند؟

در این زمینه یعنی این که سپاه اموی در کوفه، فقط از کوفیان بود، هیچ ابهامی وجود ندارد. در واقع هیچ نیرویی غیر از کوفه به کربلا اعزام نشد. نه از شام و نه از هیچ نقطه دیگر. توجه داشته باشیم که تحولات کربلا بسیار سریع اتفاق افتاد. خود ابن زیاد هم که از بصره آمد، بسیار سریع آمد و امکان این که همراه خود نیروی نظامی بیاورد نبود. از شام که فاصله بسیار دور بود و اگر قرار بود نیرویی برسد بیش از یک ماه طول می کشید. البته در داستانها و مختارنامه های بعدی، گاه اشاره شده که نیرویی از شام آمد. در داستانها هم هست شمر و عمر بن سعد همراه با سپاهیان شامیان آمدند. اما هیچ کدام اینها درست نیست.

2. ترکیب بندی سپاه 22 هزار نفری عمر سعد چگونه است؟ مگر آن ها از کوفه نبودند و کوفیان از شیعیان و پیروان حضرت علی (ع) محسوب نمی شدند؟ در اینصورت جنگ دو سپاه، جنگ شیعه با شیعه به حساب می آید.

تمام این نیروها از قبایل ساکن کوفه بودند. آن زمان، نیروهای نظامی در میدان جنگ غالباً به صورت قبیله ای ظاهر می شدند و فرماندهان هم از اشراف قبایل بودند. در کربلا هم به همین ترتیب بود و دقیقاً روشن است که چه تعداد نیرو از کدام قبیله با چه فرماندهی به کربلا اعزام شده است. اما این که اینها چه باوری داشتند، نکته دیگری است. آنچه هست این است که ابن زیاد به زور نیروها را به کربلا می فرستاد. همین امر سبب می شد تا بسیاری از افراد در نیمه راه از سپاه دور شده و پنهان شوند. اما بیش از آن از میان راه می گریختند. منابع در این باره توضیح داده اند و نوشته اند که از هر هزار نفری که به کربلا اعزام می شد، دو سوم می گریختند. آنها نمی خواستند رو در روی امام حسین ع قرار بگیرند، جالب است که آن زمان حتی احتمال زیاد می دادند جنگی هم در نگیرند اما با این حال به کربلا نمی آمدند. بنابر این آمارهایی که برای اعزام نیرو داریم باید بسیار کمتر فرض کنیم. در چنین شرایطی طبیعی است که آن مقدار از نیروی انسانی که به کربلا می رسید افرادی نبودند که شیعه باشند یا حتی دوستدار اهل بیت. اینها معمولاً افرادی بودند که یا برای پول آمده بودند یا آدم های بی اعتقادی بودند که تحت فشار آمده و زیر نظر روسای قبایل به دستورات آنان گوش می دادند. آنچه عملاً در کربلا رخ داد، مقابله سربازان و فرماندهان طرفدار امویان بود با شیعیان اندکی که در اطراف امام حسین بودند و بسیاری شان روزهای قبل از عاشورا و حتی صبح عاشورا به حضرت پیوسته بودند. شواهد زیادی داریم که در کربلا برخی رسماً با اظهار این که شیعه علی هستند، طرف مقابل را به عنوان شیعه عثمان می شناختند و حتی با این عنوان صدا می زدند.

3. چرا قیام عاشورا تبدیل به رویارویی شیعه و سنی در طول تاریخ شد؟ آنچنان که خودتان در مقاله مفصل "کربلا از آغاز تا پایان" به نقل از زهیر آورده اید «ونحن حتی الان إخوة و علی دین واحد و مله واحده...»

با هر تحلیلی که نگاه کنید، داستان سقیفه جدا شدن دو گروه از همدیگر بود دو گروهی که بعدها رنگ مذهبی جدای از یکدیگر به خود گرفتند. ممکن است قبیله ای تعریف کنید و بگویید که گروه بنی هاشم و دیگر طوایف قریش روبروی هم قرار گرفتند و در نهایت پس از کشته شدن خلیفه دوم، عثمان از بنی امیه آمد و داستان به تقابل بنی امیه و بنی هاشم منجر شد. این مسأله در کربلا به اوج خود رسید و نزاع ماندگار شد و بعدها در سقوط امویان به دست بنی عباس، خود را نشان داد. اما اگر این تحلیل، شیعیانه و سنیانه و در واقع تعریف مذهبی باشد، به هر حال، دو روش وجود داشت که برخی دوست دارند بگویند مکتب اهل بیت و مکتب خلفا. یا با تعبیر مدرسه بیان کنند. تفاوت آموزه های این دو، و لو اندک، نشان از این داشت که از آغاز چنین تفاوتی وجود داشت که این «تفاوت» به «تعارض» و سپس «تنزع» کشیده شد. کربلا آخر خط برای جمع شدن این دو گروه بود. به هر حال، ماجرای کربلا، ریشه در پنجاه سال تحولات سیاسی و فکری پس از رحلت رسول (ص) داشت و بعدها زمانی که شیعه و سنی شکل گرفت، نگاه به گذشته تاریخی، و تحلیل آنها، نیازمند این بود که هر کدام، خط خود را در تاریخ تا

برسد به پیامبر(ص) جدا ترسیم کنند. شیعیان به راحتی خود را به کربلا می‌رساندند، از آنجا به امام حسن ع و امام علی ع تا برسند به پیامبر ص. کربلا جایگاه مهمی برای آنها داشت. اهل سنت البته در طول قرون، سعی کردند با کربلا کنار بیایند و بسیار هم موفق شدند، اما همیشه این اشکال وجود داشت که در بالا گرفتن منازعات دو طرف، دوباره این توافق بر سر عاشورا به هم بخورد. بد نیست اشاره کنم که سه سال قبل اردوغان، بشار اسد را شمر خوانده بود! معنایش این بود که خواسته بود کربلا و عاشورا را به عنوان یک نقشبندی سنی بپذیرد. اما بسرعت این مسائل جای خود را دوباره به اختلاف نظر حتی در تحلیل عاشورا می‌دهد.

4. گستردگی و پراکندگی شیعیان در زمان قیام امام به چه شکل بود؟ به غیر از کوفه، شیعیان بصره چرا در واقعه کربلا، منفعل بودند؟

کوفه مثل ثقل شیعیان بود. بصره هم شیعیانی داشت که امام حسین (ع) نماینده ای فرستاد که دستگیر و کشته شد. اما راه طولانی است. چهارصد کیلومتر. بنابراین امکان این که آنها بتوانند به سرعت جابجا شوند وجود نداشت. خبرها هم نمی‌رسید. جالب است بدانیم که حتی خود شیعیان کوفه هم واقعا نمی‌دانستند مسیر این حوادث به کجا می‌رسد. در باره حر گفته شده است که اطمینان به نبرد نداشت برای همین تا لحظه آخر ایستاد ببیند چه می‌شود. وقتی دید که مصمم به جنگ با امام حسین (ع) هستند، از سپاه یزید دور شد و به امام حسین (ع) پیوست. طبعاً شیعیانی که در مدینه یا نقاط دیگر بودند، و البته زیاد هم نبودند، فرصت این که به امام بپیوندند نداشتند.

5. وضعیت اقتصادی و نظامی شیعیان دو شهر کوفه و بصره چگونه بود؟ سایر شیعیان از این حیث، چه وضعیتی داشتند؟ آیا توان کمک کردن داشتند و کمک نکردند یا خیر؟ اگر فاقد توانایی لازم بودند، صفت بی وفایی برای مردم کوفه، صفت روایی است؟

مهم ترین اشکال شیعیان کوفه، بی تصمیمی بود. آنها پس از شهادت مسلم و فشار ایجاد شده توسط ابن زیاد، نظم و انضباط خود را از دست دادند. نتوانستند درست تصمیم بگیرند. حتی مختار هم به زندان افتاد. نمی‌دانیم در این دوره، کسی بوده است تا به آنان سر و سامانی بدهد یا خیر. علی القاعده نبوده است. آنها از نظر وضعیت اقتصادی یا خانوادگی تفاوتی با دیگران نداشتند، مهم این بود که رهبری نداشتند تا بتوانند درست تصمیم بگیرند. همیشه این فکر در من بوده است که اگر شیعیان از نیمه راه نمی‌گریختند و به کربلا می‌آمدند، در آنجا به راحتی می‌توانستند صبح عاشورا به امام حسین بپیوندند. کما این که منابع نوشته اند که روز عاشورا، سی نفر از سپاه دشمن به امام پیوست. اینها شیعیانی بودند که به اجبار به کربلا آورده شده بودند. اگر این کار با برنامه انجام شده بود، اساساً صحنه کربلا عوض می‌شد. امام حسین (ع) و یارانش هم که سخنرانی می‌کردند، انتظار همین را داشتند که آنان از جمع جدا شده به این طرف بیایند، در حالی که اساساً شیعیان از نیمه راه رفته بودند و در خلستانها پنهان شده یا به کوفه برگشته مخفی شده بودند. همین کوفه است که سه سال بعد، لشکر چهار هزار نفری توابع را دارد. اینها شیعیان کوفه هستند که در کربلا نبودند و با همه فشار ابن زیاد گریخته بودند. اینها که غالباً شهید شدند در جریان مختار هم باز چندین هزار شیعه او را همراهی می‌کردند. همه اینها اهل کوفه بودند. اینها در کربلا حاضر نبودند و همان طور که گفتم در اوائل محرم فقط در صدد پنهان کردن خود بودند.

6. با توجه به دعوت امامان شیعه به تقیه و پرهیز از قیام بعد از عاشورا، آیا مبارزات و قیام های بعد از عاشورا را که به خون خواهی امام و یارانشان صورت گرفت، میتوان قیام های شیعی تلقی کرد؟

روش ائمه شیعه ع، از امام سجاد به بعد، روش خاصی در مبارزه است که با همین عنوان تقیه خود را نشان می‌دهد. اگر بپذیریم که تقیه اصل بوده، طبعاً مبارزه نظامی نمی‌توانسته مصداق تقیه به شمار آید. بدین ترتیب منهای این که ماهیت قیام های مسلحانه زیدی ها را بخواهیم توصیف کنیم، این که رهبران آنها خوب بوده اند یا نه، اهدافشان مقدس بوده یا نه، که معمولاً جای بحث دارد، روش ائمه را می‌شناسیم. حتی امام رضا ع که حکومت به او پیشنهاد شده، باز هم از همین روش پیروی کرده است. مذهب تشیع برای امامان، چیزی نبود که صرفاً دنبال قدرت سیاسی باشد، جریانی بود که باید دین اسلام را پاسداری کند. این نگاه، بحث زمان را چندان جدی نمی‌داند، حکومت امروز نشد، فردا، اما مهم این است که دین بماند و این چیزی بود که مورد توجه ائمه قرار گرفت. در این نگاه، این طور نیست که اگر روزی امکان تشکیل حکومت شیعی وجود داشت از آن سرباز بزنیم، اما این که به هر قیمتی حکومت کنیم هم اصل نخواهد بود.

گفتگو با نسیم بیداری شماره آبان ماه 1393